

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه فلسفه و کلام اسلامی

## پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه اسلامی

نقدی بر عرفان‌های کاذب رایج در ایران (چهار مورد)

استاد راهنما:  
دکتر علی ارشد ریاحی

استاد مشاور:  
دکتر مجید صادقی

پژوهشگر:  
زینب فرهادی

اسفند ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج، مطالعات، ابتکارات  
و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه  
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه فلسفه و کلام اسلامی

## پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه اسلامی خانم زینب فرهادی

تحت عنوان

### نقدی بر عرفان‌های کاذب رایج در ایران (چهار مورد)

در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۶ توسط هیات داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

امضاء

۱-استاد/استادان راهنمای پایان نامه دکتر علی ارشد ریاحی با مرتبه علمی دانشیار

امضاء

۲-استاد/استادان مشاور پایان نامه دکتر مجید صادقی با مرتبه علمی استادیار

امضاء

۳-استاد/استادان داور داخل گروه دکتر سید مهدی امامی جمعه با مرتبه علمی دانشیار

امضاء

۴-استاد/استادان داور خارج از گروه دکتر مجتبی سپاهی با مرتبه علمی استادیار

امضای مدیر گروه

امضاء

تقدیر و تشکر :

از اساتید ارجمند جناب آقای دکتر علی  
ارشد ریاحی که با راهنمایی‌ها و زحمات  
فراوان خویش ، مرا در جهت پربار نمودن  
این پایان نامه یاری نمودند و جناب آقای  
دکتر مجید صادقی که با یادآوری نکات  
لازم بر غنای آن افزودند و جناب آقای  
دکتر سید مهدی امامی جمعه و جناب  
آقای دکتر مجتبی سپاهی که حوصله به  
خرج داده و پایان نامه را مطالعه نموده و  
اشکالات آن را یادآوری نمودند ، صمیمانه  
تشکر و قدردانی می‌نمایم.

تقدیم به :

پدر و مادر بزرگوارم! آنان که وجودم  
برایشان همه رنج بود و وجودشان برایم  
همه مهر. توانشان رفت تا به توانایی رسم و  
مویشان سفید گشت تا رویم سفید بماند.  
آنان که راستی قامت در شکستگی  
قامتشان تجلی یافت. در برابر وجود  
گرامیشان زانوی ادب بر زمین می‌نهم و

با دلی مملو از عشق، محبت و خضوع بر  
دستان پر از مهر و محبتشان بوسه  
می‌زنم.

## چکیده

نیاز به معنویت از جمله نیازهای اساسی آدمی است. علی رغم پیشرفت‌های صنعتی و مادی بشر و تسلط او بر طبیعت، همچنان این نیاز از اعماق جان آدمی، زبانه می‌کشد. تشنگی شدید انسان نسبت به معنویت، زمینه‌ی مناسبی برای ظهور مکتب‌های معنویت گراست. در پاسخ به این احساس نیاز، نسخه‌هایی معنوی فراهم آمده که تعبیر "عرفان‌های کاذب" یکی از عناوین این نسخه‌های بدلی است. زبان ساده و جذابیت‌های ظاهری این معنویت‌ها، ذهن سطحی نگر افراد را به راحتی مشغول خود می‌سازد. در ایران چهار مورد از این عرفان‌ها، بیشترین پیروان را به خود اختصاص داده‌اند که به ترتیب عبارتند از عرفان اشو، کوئیلو، اکنکار و دالایی لاما. از میان این معنویت‌ها، عرفان اشو و دالایی لاما عرفان‌های شرقی‌اند و عرفان کوئیلو و اکنکار از مغرب زمین وارد ایران شده‌اند.

نگارنده در این پایان‌نامه، مبانی مشترک، شاخصه‌های هر یک از عرفان‌های مذکور و علل و زمینه‌های رشد آن‌ها را در ایران مورد نقد و بررسی قرار داده است.

مبانی مشترک این چهار عرفان، نفی خداوند و شریعت به معنایی که در عرفان‌های دیگر به کار رفته است، می‌باشد. از میان شاخصه‌های عرفان اشو می‌توان به مراقبه، عشق محوری، تناسخ، نفی عقلانیت، درون‌گرایی و... اشاره کرد. عرفان کوئیلو (که با نوشتن رمان، معنویتی جدید را پیش روی بشر امروزی قرار داده است) نیز دارای ویژگی‌هایی است از قبیل رؤیای شخصی، روح جهانی، تناسخ، جادوگری، ترویج روابط نامشروع، مشروبات الکلی، خودکشی و... مهم‌ترین خصوصیت عرفان اکنکار، سفر روح می‌باشد. از میان شاخصه‌های عرفان دالایی لاما می‌توان رنج‌گریزی، شادی طلبی، تناسخ و... را نام برد.

علل و زمینه‌های ورود این عرفان‌ها به ایران را می‌توان در چهار مورد خلاصه کرد: ۱- مشکلات فردی که به این عرفان می‌پیوندند. این مشکلات به سه دسته تقسیم می‌شود: الف- مشکلات فردی اعم از مشکلات روانی فرد، عدم مهارت در نه گفتن، مشکلات شغلی و... ب- مشکلات خانوادگی که خود شامل اختلافات شدید پدر و مادر و نیز روابط خانوادگی ناپایدار است. ج- مشکلات اجتماعی که از مهم‌ترین آن‌ها عدم احساس هویت، اخراج از محیط‌های آموزشی و عدم پذیرش در گروه‌های هم سن است. ۲- عدم مطابقت معنویت ایرانی-اسلامی با نیازهای روز. ۳- عدم نظارت بر آثار ترجمه شده‌ی نویسندگان خارجی. ۴- عدم فرهنگ سازی به موقع وسایل ارتباط جمعی توسط مسئولین.

**کلید واژه‌ها:** عرفان، مبانی، شاخصه، نقد



## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات پژوهش

- ۱-۱- شرح و بیان مسأله پژوهشی ..... ۱
- ۲-۱- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق ..... ۲
- ۳-۱- اهداف تحقیق ..... ۲
- ۴-۱- اهمیت و ارزش تحقیق ..... ۳
- ۵-۱- کاربرد نتایج تحقیق ..... ۳
- ۶-۱- فرضیات و پرسش‌ها ..... ۳
- ۷-۱- روش تحقیق و مراحل آن ..... ۳
- ۸-۱- تعریف واژگان کلیدی ..... ۴

### فصل دوم: عرفان اشو

- ۱-۲- اشو کیست؟ ..... ۶
- ۲-۲- معرفی اجمالی عرفان اشو ..... ۱۶
- ۳-۲- مبانی عرفان اشو ..... ۲۲
- ۱-۳-۲- خدای متشت ..... ۲۲
- ۲-۳-۲- نفی مذاهب و شرایع پیشین ..... ۳۶
- ۱-۲-۳-۲- ضرورت مذهب ..... ۳۸
- ۲-۲-۳-۲- اقسام مذهب ..... ۳۸
- ۳-۲-۳-۲- خصوصیات مذهب حقیقی ..... ۳۸
- ۴-۲-۳-۲- مذهب و علم ..... ۴۱
- ۵-۲-۳-۲- مذهب و دیانت ..... ۴۱
- ۶-۲-۳-۲- آئین ذن ..... ۴۱
- ۴-۲-۴-۲- شاخصه‌ها ..... ۴۲
- ۱-۴-۲-۴-۲- مراقبه ..... ۴۲
- ۲-۴-۲-۴-۲- عشق ..... ۵۵
- ۳-۴-۲-۴-۲- نفی اجتماع ..... ۶۴

۶۵	.....۴-۴-۲-نسبی گرایبی و تکثر
۶۷	.....۵-۴-۲-اصالت درون
۶۷	.....۶-۴-۲-نفی عقل و ذهن
۷۲	.....۷-۴-۲-تناسخ

### فصل سوم: عرفان پائولو کوئیلو

۷۸	.....۱-۳-پائولو کوئیلو کیست؟
۸۴	.....۲-۳-معرفی اجمالی عرفان کوئیلو
۸۵	.....۳-۳-مبانی عرفانی کوئیلو
۸۵	.....۱-۳-۳-خدای متشتت
۹۳	.....۲-۳-۳-نفی نبوت و شریعت
۹۵	.....۴-۳-شاخصه های عرفان کوئیلو
۹۵	.....۱-۴-۳-تبلیغ جادو و جادوگری
۹۷	.....۲-۴-۳-تبلیغ روابط نامشروع
۹۹	.....۳-۴-۳-ترویج مشروبات الکلی
۹۹	.....۴-۴-۳-تبلیغ مواد مخدر
۱۰۰	.....۵-۴-۳-ترویج خودکشی
۱۰۱	.....۶-۴-۳-تحقیر انسان
۱۰۱	.....۱-۶-۴-۳-انسان گناهکار متولد می شود
۱۰۱	.....۲-۶-۴-۳-ترس، تنها عامل پاکدامنی انسان
۱۰۱	.....۳-۶-۴-۳-انسان بازیچه خیر و شر
۱۰۱	.....۴-۶-۴-۳-عدم توانایی انسان برای رستگار شدن
۱۰۲	.....۷-۴-۳-تناسخ
۱۰۲	.....۱-۷-۴-۳-انکار جهان پس از مرگ
۱۰۲	.....۲-۷-۴-۳-باور به تناسخ
۱۰۳	.....۸-۴-۳-پلورالیزم دینی
۱۰۴	.....۹-۴-۳-نقش شیطان در زندگی
۱۰۵	.....۱۰-۴-۳-رقص تنها راه فعال کردن عشق و انرژی

۱۰۶	۳-۴-۱۱-روح جهانی (کیهانی).....
۱۰۶	۳-۴-۱۲-افسانه ی شخصی.....
۱۰۸	۳-۴-۱۳-زبان نشانه ها.....

### فصل چهارم: عرفان انکار

۱۱۱	۴-۱-رهبران انکار.....
۱۱۱	۴-۱-۱-جان پل توئیچل.....
۱۱۶	۴-۱-۲-داروین گراس.....
۱۱۶	۴-۱-۳-هارولد کلمپ.....
۱۱۸	۴-۲-معرفی اجمالی عرفان انکار.....
۱۲۱	۴-۳-مبانی عرفان انکار.....
۱۲۱	۴-۳-۱-چند جهانی-چند خدایی.....
۱۲۹	۴-۳-۲-نفی شریعت و مذهب.....
۱۳۲	۴-۴-شاخصه های عرفان انکار.....
۱۳۲	۴-۴-۱-سفر روح.....
۱۴۶	۴-۴-۲-انحصارگرایی.....
۱۴۷	۴-۴-۳-تناسخ.....
۱۵۰	۴-۴-۴-نفی عقل و منطق و فلسفه.....

### فصل پنجم: عرفان دالایی لاما

۱۵۶	۵-۱-معرفی اجمالی عرفان دالایی لاما.....
۱۵۸	۵-۲-مبانی عرفان دالایی لاما.....
۱۵۸	۵-۲-۱-انکار خدا.....
۱۵۹	۵-۲-۲-شریعت ستیزی.....
۱۶۰	۵-۳-شاخصه ها.....
۱۶۰	۵-۳-۱-اعتقاد به رنج به عنوان اصل اساسی زندگی.....
۱۶۵	۵-۳-۲-شادی به عنوان هدف غایی زندگی.....

۱۶۹ ..... ۵-۳-۳-پلورالیزم دینی

۱۷۲ ..... ۵-۳-۴-عدم وجود جوهر ثابت در هستی

### فصل ششم: مبانی و شاخصه های مشترک عرفان های مذکور

۱۷۵ ..... ۶-۱-مبانی مشترک چهار عرفان نامبرده

۱۷۵ ..... ۶-۱-۱-نفی خدای ادیان

۱۷۶ ..... ۶-۱-۲-نفی شریعت

۱۷۷ ..... ۶-۲-شاخصه های مشترک چهار عرفان مذکور

۱۷۷ ..... ۶-۲-۱-نفی عقل

۱۷۸ ..... ۶-۲-۲-پلورالیزم دینی

۱۷۹ ..... ۶-۲-۳-تناسخ

### فصل هفتم: علل و زمینه های پیدایش عرفان های نوظهور در ایران

۱۸۱ ..... ۷-۱-مشکلات اعضایی که به عرفان ها می پیوندند

۱۸۱ ..... ۷-۱-۱-مشکلات فردی

۱۸۳ ..... ۷-۱-۲-مشکلات خانوادگی

۱۸۴ ..... ۷-۱-۳-مشکلات اجتماعی

۱۸۵ ..... ۷-۲-عدم مطابقت معنویت ایرانی- اسلامی با نیازهای روز

۱۸۶ ..... ۷-۳-عدم نظارت بر آثار ترجمه شده ی نویسندگان خارجی

۱۸۶ ..... ۷-۴-عدم فرهنگ سازی به موقع وسایل ارتباط جمعی (ماهواره و اینترنت)

### فصل هشتم: خلاصه و نتیجه

۲۰۰ ..... منابع و مآخذ

## پیشگفتار

حدود دو دهه است که ایران مورد هجوم تعالیم معنویت های نوظهور شرقی و غربی قرار گرفته است. یکی از تعبیر معنویت های مذکور "عرفان کاذب" است که در مقابل تعبیر "عرفان حقیقی" قرار گرفته است، لذا برای روشن شدن تعریف عرفان های کاذب، باید ابتدا به تعریف عرفان حقیقی پرداخت که عبارت است از عرفانی که نشأت گرفته از دین حقیقی باشد و شریعت را به مثابه ی راهی برای رسیدن به سعادت، پیش روی خود قرار دهد. با توجه به این تعریف، هر عرفانی غیر از این عرفان، در رده ی عرفان های کاذب قرار می گیرد. عرفان های دروغین یا در پی معرفی خدای ساختگی هستند و یا به طور کلی منکر خداوندی که در رأس همه ی مخلوقات است، می شوند. آن ها انسان را موجودی تک بُعدی می دانند که حتی نیازهای معنوی او در قالب دنیای مادی برآورده می شود. از میان عرفان های کاذبی که در ایران مشغول فعالیت هستند، بعضی از آن ها اهمیت بیشتری دارند، به این معنی که اعضا و پیروان بیشتری را به خود اختصاص داده اند. "عضوگیری" اصلی ترین عامل بقا و استمرار فعالیت عرفان های مذکور است. نکته قابل توجه این است که تعداد اعضای که به این عرفان ها پیوسته اند، نامشخص است، اما با توجه به تحقیقات انجام شده توسط محققین، این نتیجه حاصل آمده است که این معنویت ها در صورتی می توانند اعضای بیشتری را به خود اختصاص دهند که دارای جذابیت در محتوا باشند و افراد، آن ها را پاسخگوی نیازهای خود بدانند. در ایران دو عرفان شرقی یعنی عرفان اشو و دالایی لاما و دو عرفان غربی با نام های کوئیلو و اکنکار از مهم ترین عرفان ها به شمار می روند که مدعیان آن ها به دلیل جذابیت در آثار و ادعای پاسخگویی به نیازهای بشر، بالاخص قشر جوان، جزء پرفروش ترین نویسندگان هستند و در فضای مجازی، سایت ها و وبلاگ های بسیاری را به خود اختصاص داده اند.

با توجه به مطالعات و تحقیقات صورت گرفته توسط نگارنده، می توان گفت: در واقع فضای مجازی برای پیروان این عرفان ها سه کاربرد اساسی دارد: اولاً این معنویت ها از طریق اینترنت - که روز به روز بر تعداد کاربران آن افزوده می شود- به تبلیغ و اشاعه ی افکار خود می پردازند. ثانیاً به این دلیل که در حال حاضر انتشار کتاب های بنیانگذاران عرفان های مذکور، در ایران ممنوع شده است، اعضا به راحتی می توانند از طریق سایت های اختصاصی، به کتب الکترونیکی آن ها دسترسی داشته باشند. ثالثاً از طریق تالار گفتمان سایت ها، در مورد آراء و تعالیم این رهبران به مباحثه و پرسش و پاسخ می پردازند و ابهامات خود را در مورد این آموزه ها با توجیهات یکدیگر برطرف می کنند.

در این پژوهش، چهار عرفان مذکور مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. ابتدا یکی از اهداف این پژوهش، نقد و بررسی مبانی و شاخصه های مشترک معنویت های مذکور بود، اما با مطالعاتی که در این زمینه انجام گرفت، این نتیجه حاصل شد که بنیانگذاران عرفان های نامبرده، دارای دو مبنای مشترک (انکار خدای ادیان یا به طور کلی انکار خدا و نفی شریعت) هستند، ولیکن شاخصه های مشترکشان بسیار اندک است، از این رو علاوه بر شاخصه های مشترک، شاخصه های غیر مشترک نیز مورد نقد و بررسی عقلانی قرار گرفت.



## فصل اول

### کلیات پژوهش

#### ۱-۱- شرح و بیان مسأله پژوهشی

در دوره رنسانس یعنی حدود چهارصد سال پیش، بشر در مغرب زمین سه شعار عقل، طبیعت و پیشرفت را سرلوحه ی کار خود قرار داد و فریاد بی نیازی از دین و معنویات را طنین افکن ساخت، ولیکن بعد از دو جنگ جهانی، همین بشر دچار تردید شد که آیا الگو قرار دادن این سه شعار، برای آن‌ها کفایت می‌کند یا خیر؟ این تردید مرحله نوینی به نام پست مدرن را برای تمدن کنونی به وجود آورد. در این دوران، مرز میان مدرن و کهن کم رنگ و بشر درمان ناکامی‌ها و آلام خود را در معنویت جویا شد، لذا در این زمان معنویت‌ها و عرفان‌هایی به وجود آمد که در آن‌ها، خداوند و شناخت و معرفت به او، به معنایی که در ادیان مورد بحث است، مطرح نیست. بنابراین به آن‌ها "عرفان‌های کاذب" گفته می‌شود. امروزه سیل عظیمی از این عرفان‌ها، زیر نظر رهبران مختلف شکل گرفته است. باید اذعان کرد ایران اسلامی نیز از حضور این جریان‌ها برکنار نمانده و حدود دو دهه است که به دلیل تبلیغ گسترده و عضوگیری این معنویت‌های نوظهور، دچار مشکلاتی شده است. تعداد عرفان‌های بسیار مهم و رایج که در ایران فعال هستند، بیش از دوازده تا است که بعضی از آن‌ها، رایج تر از بعضی دیگر است. به این معنا که پیروان بیشتری را به خود اختصاص داده اند. این عرفان‌های نوپدید، شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی دارند که با نقد آن‌ها از طریق عقل (که حجیت آن بدیهی است) می‌توان پایه و اساس مبانی آن‌ها را متزلزل کرد.

با توجه به مطالعه ای که در این مورد صورت گرفته است، به نظر می‌رسد جای نقد عقلانی مبانی و شاخصه‌های این عرفان‌ها، خالی می‌باشد، لذا در اینجا نویسنده بر آن است تا مبانی و شاخصه‌های چهار مورد

از رایج ترین این عرفان‌ها را که بیشترین پیروان به آن‌ها اختصاص دارد، مورد بررسی قرار دهد و به نقد عقلانی آن‌ها بپردازد. این عرفان‌های نوپدید عبارتند از:

-عرفان اشو

-عرفان کوئیلو

-عرفان دالایی لاما

-عرفان اکنکار

## ۱-۲- پیشینه و تاریخچه ی موضوع تحقیق

۱- احمد حسین شریفی در کتاب "درآمدی بر عرفان‌های حقیقی و عرفان‌های کاذب" به بحث مورد نظر پرداخته، می‌گوید: هدف اصلی این کتاب، بیان شاخصه‌ها و ویژگی‌های عرفان‌های کاذب است، به همین دلیل از بررسی تک تک این آئین‌ها خودداری کرده، کوشیده است حتی الامکان محورهای مشترک عرفان‌های کاذب را با نمونه‌هایی از رایج ترین آن‌ها استخراج کند و به نقد و بررسی آن‌ها بپردازد.

۲- محمد تقی فعالی در کتاب "آفتاب و سایه‌ها" تلاش کرده است با نگاهی واقع بینانه، مبانی نظری و فکری نحله‌های نوظهور عرفانی را که از شرق به ویژه هند و از غرب به ویژه آمریکا، در دو دهه ی اخیر به ایران وارد شده اند، بررسی کرده، ابعاد آن را واشکافی کند و پیش روی علاقمندان قرار دهد. وی در نهایت به این نتیجه می‌رسد که مشکل اساسی مکاتب عرفانی هند، مسأله ی تناسخ و عدم حضور خداست و مشکل عرفان‌های آمریکایی از یک سو، وهم آلود بودن برخی و از سوی دیگر، تناقض آلود بودن بعضی دیگر می‌باشد. وی همچنین مشکل اساسی عرفان‌های مسیحی را نفی عقلانیت، آئین ذن را زمینی بودن و مشکل عرفان یهود را عدم استقلال دانسته است.

۳- حمیدرضا مظاهری سیف در کتاب "جریان شناسی عرفان‌های نوظهور" به بحث در مورد عرفان‌های کاذب پرداخته، به این نتیجه می‌رسد که معنویت‌های نوپدید با این که نیاز انسان به معنویت را دریافته اند، دو اشکال اساسی دارند: نخست این که شناخت کامل و جامعی از این نیاز ندارند و دوم این است پاسخ مناسبی به این نیاز نمی‌دهند.

## ۱-۳- اهداف تحقیق

۱- یافتن مبانی مشترک عرفان‌های کاذب

۲- تبیین شاخصه‌های مشترک عرفان‌های کاذب

۳- نقد عقلانی شاخصه‌ها و مبانی مشترک این عرفان‌ها

۴- ذکر زمینه‌ها و علل رشد عرفان‌های مذکور در ایران

## ۱-۴- اهمیت و ارزش تحقیق



روز به روز بر تعداد فرقه های معنویت گرایی که در ایران رایج اند، افزوده می شود. به همین دلیل مطالعه نقادانه ی این عرفان ها، بالاخص آنهایی که در ایران فعال تر هستند، ضروری است و کوتاهی در این امر، خسارت های جبران ناپذیری به فرهنگ و سایر ساحت های حیات اجتماعی وارد خواهد کرد. از این رو اگر نقاط ضعف، کژی ها و کاستی های عرفان های مذکور از طریق نقد عقلانی آن ها بازگو شود، از میزان گرایش به آن ها کاسته شده، همگان با به کارگیری قوه ی عقلانی خویش، قادر خواهند شد به پوچ بودن این معنویت ها پی ببرند و به معارف اصیل اسلامی که دارای ریشه های عمیق، استوار و قابل دفاع در برابر سایر شبهات است، بگرایند.

### ۱-۵- کاربرد نتایج تحقیق

این پژوهش در جهت رفع نیاز ملی به کار گرفته می شود، زیرا نیاز امروز جامعه ی اسلامی ایران، پیشگیری از ورود ضربه به تعالیم مقدس و از جمله عرفان ناب اسلامی است که از منبع موثق آن یعنی قرآن و روایات اهل بیت (ع) اخذ می شود. این پژوهش نیز همین هدف را از طریق نقد عقلانی مبانی و شاخصه های عرفان های کاذب پیگیری می کند و علاوه بر آن، قابل استفاده برای کلیه ی دانشجویان و علاقمندان به تحقیق و بررسی در عرفان های نامبرده می باشد.

### ۱-۶- فرضیات و پرسش ها

- ۱- مبانی مشترک عرفان های کاذب رایج در ایران چیست؟
- ۲- شاخصه های مشترک این عرفان ها کدام است؟
- ۳- آیا می توان به نقد عقلانی مبانی و شاخصه های مشترک عرفان های مذکور پرداخت؟
- ۴- زمینه ها و علل رشد عرفان های مذکور در ایران چیست؟

### ۱-۷- روش تحقیق و مراحل آن

- ۱- مطالعه ی کتب مربوطه.
- ۲- فیش برداری از مطالب مورد نیاز.
- ۳- مطالعه ی فیش ها و ادغام مسائل مربوط با یکدیگر.
- ۴- اصلاح مطالب به مقتضای موضوع مورد نظر .

### ۱-۸- تعریف واژگان کلیدی

- ۱- عرفان: gnosis: عبارت است از "شناسایی" و مراد از آن، شناسایی حق است و نام علمی است از علوم الهی که موضوع آن شناخت حق، اسماء و صفات آن است. (سجادی، ۱۳۴۵؛ ۳۳۰)
- ۲- مبانی: bases: عبارت است از پایه و بنیان هر چیزی. (عمید، ۱۳۴۷؛ ۹۲۷)

- ۳-شاخصه: character : شاخصه عبارت است از نماینده و نمودار هر چیزی. (معین، ۱۳۶۳؛ ۱۹۹۳)
- ۴-نقد: criticism : عبارت است از آشکار کردن محاسن و معایب سخن. (همان؛ ۴۷۸۴)

## فصل دوم

### عرفان اشو<sup>۱</sup>

یکی از عرفای نوظهور هندی، فردی است به نام اشو که تحت تأثیر افکار مادر بزرگش، آراء و تعالیمی را ارائه داده است. او در کتاب خود با نام "رها شدن از گذشته" روش کلی اش را برای پیروان خود اینگونه بازگو می‌کند: "نخست وانمود می‌کنم که کمکی به شما می‌دهم، زیرا این تنها زبانی است که شما درک می‌کنید. آنگاه رفته رفته شروع می‌کنم به پس کشیدن خودم. من نخست شما را از خواسته‌های دیگرتان دور می‌کنم و کمک می‌کنم که در مورد نیروانا، رهایی و حقیقت، خیلی مشتاق شوید. وقتی ببینم که تمام خواسته‌ها از بین رفته اند و فقط یک آرزو باقی مانده است، آنگاه شروع می‌کنم به کوبیدن آن آرزو و می‌گویم: این را بینداز، زیرا تمام مانع همین است." ([www.ketabnak.com](http://www.ketabnak.com)) در جای دیگر می‌گوید: نیامده ام به شما عقیده‌ی مذهبی بدهم، چرا که اعتقاد مذهبی، شخص را مطمئن می‌سازد. حتی نمی‌خواهم وعده‌ی آینده بدهم، چون هر وعده‌ای در خصوص آینده، شخص را ایمن می‌کند. خیلی ساده با تمام ناامنی، عدم اطمینان و با تمامی خطری که در زندگی وجود دارد، آمده ام تا بیدارتان کنم. این تنها دلیل بودنم در اینجا است. می‌دانم به قصد نوعی اطمینان خاطر، آئین و حتی ایسم یا این که جایی برای تعلق خاطر کسی، به امید کسی برای اتکا کردن، دور هم جمع شده‌اید. می‌خواهید از ترستان رها شوید. در پی نوعی زیبایی در بند هستید. به همین خاطر است که بدون هیچگونه هشپاری زندگی می‌کنید. دوست دارم شما را هر چه ناامن تر و نامطمئن تر سازم، چرا که زندگی اینگونه است. خداوند چنین است. وقتی ناامنی و خطر افزایش می‌یابد، تنها راه مقابله با آن هشپاری و آگاهی است. تنها دو امکان وجود دارد: یا چشمانتان را می‌بندید و فردی متعصب، مسیحی، هندو و یا... می‌شوید که در این صورت شتر مرغی بیش نیستید. این کار زندگی شما را عوض نمی‌کند، بلکه

---

<sup>۱</sup>Osho

چشمانتان را می‌بندد و خیلی ساده هوشتان را ضایع کرده، احمقتان می‌کند و شما در ناهشیاری خود احساس امنیت می‌کنید. همانگونه که همه ی دیوانگان چنین هستند و در حقیقت تنها دیوانگان احساس امنیت می‌کنند. انسانی که واقعاً زنده است، همیشه احساس ناامنی می‌کند، اساساً چگونه می‌تواند امنیت وجود داشته باشد. (اشو، شهامت، ۱۳۸۰؛ ۴)

نکته قابل توجه این است که اشو ناقض سخنان خودش است. وی در کتاب "یوگا، از ابتدا تا انتها" در این باره می‌گوید: من خود را نقض می‌کنم. این یک روش است. (www.ketabnak.com) در جای دیگر تصریح می‌کند: ارثیه ای واقعاً وحشتناک برای محققان به جای گذاشتم. از حرف‌های من چیزی نخواهند فهمید. همین خوب است که کسی نمی‌تواند آئین یا کیش خاصی از من بسازد... واژه‌هایم شما را می‌سوزانند، ولی نمی‌توانید الهیات یا جزمیتی از آن بسازید. آن که می‌خواهد از من کیش خاصی بیافریند، کم و بیش با هر جمله ای به دردسر خواهد افتاد. (اشو، شورشی، ۱۳۸۲؛ ۵)

از نظر نگارنده، تعلیم وی دارای دو مبناست: ۱- نفی خدای ادیان و در مقابل، معرفی خدایی متشخص. ۲- نفی شرایع و مذاهب پیشین. این عرفان نوپدید دارای شاخصه‌هایی است که از آن جمله می‌توان به مراقبه، نسبی‌گرایی و تکثر، اصالت درون، تناسخ و نفی عقل و ذهن اشاره کرد. در ادامه، مطالب مذکور مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲-۱- اشو کیست؟

اشو در ۱۱ دسامبر سال ۱۹۳۱ در روستای کوچوادا در استان مادیا پرادش از کشور هند به دنیا آمد. وی می‌گوید: من در این روز در این بدن تجسّد یافته‌م و نخستین بار سبزی درختان و آبی آسمان‌ها را دیدم و دیدگانم را گشودم و "خدا" را در تمامی پیرامون نظاره کردم. البته در آن لحظه خدا وجود نداشت، اما آنچه من دیدم، خدا بود. (اشو، اینک برکه ای کهن، ۱۳۸۰؛ ۴۹) وی مقصود خود را از جمله ی آخر بیان نکرده است.

نام کامل او "باگوان شری راجینش" است. "راجینش" نام پدری اوست و لقب "باگوان" به معنای آقا و سرور " و "شری" لقبی احترام آمیز به معنای مقرب و مقدّس است. وی در زمان حیات، علاوه بر نام اصلی خویش، به چندین نام معروف بوده است. پدر بزرگ اشو، نامش را "راجا" گذاشته بود. راجا به معنای "شاه" است. به این دلیل پدر بزرگش این نام را بر او گذاشت که دوست داشت نوه اش مانند یک شاه زندگی کند. (اشو، اینک برکه ای کهن، ۱۳۸۰؛ ۷۱) سپس "آچاریا" و در آخر نیز خودش نام "اشو" را برای خود برگزید. وی در مورد این واژه می‌گوید: لغت "اشو" به معنای "حل شده در اقیانوس" است. (اشو، مراقبه، شور سرمستی، ۱۳۸۲؛ ۱۰) البته مشهور است که او در آخرین ماه‌های حیاتش، حتی نام اشو را نیز مناسب ندانست و به پیروان خود